ویرایش فرهنگنامه ای؛ سادگی و ایجاز

کیهان فرهنگی

گرگین، ایران

کیهان فرهنگی:چطور به شورای‏ ویراستاری فرهنگنامهء کودکان و نوجوانان راه یافتید؟

ایران گرگین:چهارده سال پیش که آقای‏ جهانشاهی و همکارانشان از سوی شورای کتاب‏ کودک برای طرح و برنامه‏ریزی به منظور تهیهء فرهنگنامه‏ای در جهت رفع نیاز اطلاعاتی کودکان و نوجوانان به کار دعوت شدند،به آنان پیوستم؛اما کار را ادامه ندادم و تنها نوشتن مقالاتی را به عهده گرفتم. گمان می‏کنم لذتی که از خواندن نوشته‏های خوب‏ برایم حاصل می‏شود،از نوشتن مطالب متوسط به‏ دست نمی‏آید و به شخصه،خواندن این نوشته‏های‏ خوب را به نوشتن مطالب متوسط ترجیح می‏دهم.ولی‏ بعدها به سبب آنکه آقای شریف‏زاده درگذشتند و آقای جهانشاهی به دلیل بیماری کار در فرهنگنامه را رها کردند،از من دعوت شد که با فرهنگنامه همکاری‏ مستمر داشته باشم.از این زمان به طور جدی به کار پرداختم و عضو شورای ویراستاران شدم.پس از درگذشت آقای محمودی که دانشمندی فاضل و با سابقه بودند بر مسؤولیت و کار من در ویراستاری نهایی‏ فرهنگنامه افزوده شد.

کیهان فرهنگی:گردش کار و ویراستاری در این فرهنگنامه چگونه‏ انجام می‏گیرد؟

گرگین:شورای ویراستاران فرهنگنامه در واقع‏ یادگار شیوهء کار آقای جهانشاهی است در«مرکز انتشارات آموزشی».نوشته‏های مجلات پیک(به جز پیک جوانان)در شورای ویراستاران مجلات که‏ اعضایش را سردبیران تشکیل می‏دادند ویرایش‏ می‏شد.و مقالات چند روز پیش از تشکیل جلسهء شورا، برای مطالعه به اعضای شورای ویراستاران مجلات پیک‏ داده می‏شد.این شیوه نتایجی خوب داشت:ویراستار در این جلسات نکات تازه‏ای می‏آموخت و پرورده‏ می‏شد.البته ایرادی هم داشت و آن اینکه چنین کاری‏ مقالات را یکنواخت می‏کرد،اما دقت و سلامت آن در زبان و بیان بسیار نیکو و آشکار بود.

شورای ویراستاران فرهنگنامه نیز بر همین اساس‏ بنیاد گذاشته شد.این شورا ویرایش نهایی همهء نوشته‏های فرهنگنامه را از لحاظ درونمایه زبان،بیان، درستی مفاهیم،ساده نویسی‏ای که مناسب فهم‏ مخاطب نوجوان باشد،گیرایی و رسایی داشته باشد به‏ عهده دارد.پیش از آنکه مقاله به شورای ویراستاران‏ برسد،ویراستاران موضوعی آن را از لحاظ موضوع‏ ویرایش و آنگاه آن را به کارشناسان موضوعی و مشاوران‏ فرهنگنامه که در رشته خود تخصص دارند واگذار می‏کنند تا بررسی شود.بنابر این،بسیاری مواقع نوشتهء نهایی با آنچه در ابتدا ارائه شده بسیار متفاوت است.

 کیهان فرهنگی:در ویرایش‏ فرهنگنامه از چه شیوهء نگارشی پیروی‏ می‏شود؟

گرگین:این مسأله بسیار آشفته است.شیوهء نگارش‏ در میان همهء اقشار کتاب خوان،کتاب نویس،کتاب‏ چاپ کن و همهء دست‏اندرکاران چاپ و نشر تا اندازه‏ای‏مشکل حل ناشده‏ای است.خوب است یک نمونه از این آشفتگی را از نشریهء رسمی«فرهنگستان»که‏ نخستین شمارهء نشریهء«فرهنگستان»است،مثال‏ بیاورم.در روی جلد این نشریه«شمارهء اول»(حمزه‏ روی ه)چاپ شده است،اما درون آن بدین صورت‏ نوشته شده«شماره‏ی اول،شماره‏ی مسلسل»(حمزه به‏ صورت ی)یا آنکه همگون به صورت هم گون نوشته‏ شده بود.البته زیر صفحه توضیح داده شده بود که املا و شیوهء نگارش این شمارهء فصلنامهء فرهنگستان مصوبهء فرهنگستان تلقی نشود.این نمونه نشان می‏دهد که‏ آشفتگی و نظرات گوناگون در این زمینه تا کجاست. جدا یا پیوسته نوشتن واژگان ترکیبی نیز از مسایلی‏ است که این روزها آشفته‏تر از پیش شده و اعمال سلیقه‏ به جایی رسیده که حتی برخی پیرو جدانویسی اجزای‏ یک کلمه‏اند.در زبان فارسی انبوهی از واژگان با افزودن یک یا چند کلمه یا با پسوند و پیشوند ساخته‏ شده‏اند که معانی مستقل دیگری از آن واژه ارائه‏ می‏دهند.زنده یاد ایرج جهانشاهی که بنیاد گذار شیوهء نگارش فرهنگنامه بودند و کتابچه‏ای را همان ابتدا به‏ نام«راهنمای نویسنده و ویراستار»و به همین منظور تألیف کردند و در دسترس همکاران نهادند،به علت‏ آنکه پیشتر ریاست مرکز انتشارات آموزش را بر عهده‏ داشتند و با رسم الخط مصوب وزارت آموزش و پرورش‏ و کتابهای درسی کار می‏کردند،بر این امر اصرار داشتند که کلمات پیوستهء دارای معانی واحد متصل و سرهم نوشته شوند.رسم الخط کنونی«فرهنگنامه»نیز همان است.اما در همین کتابچه یادآوری شده که اگر متصل نوشتن کلمات موجب دشواری در خواندن یا نوشتن می‏شده یا صورتی نامأنوس به کلمه می‏دهد، باید آن را جدا نوشت.به نظر می‏رسد که همین قضیه‏ باید درست‏تر باشد.یعنی در ویراستاری همین جلد اخیر فرهنگنامه(چهارم)مدخلی داشتیم به نام«ایمنی‏ شناسی»که اگر می‏خواستیم املای آن را بر اساس‏ همان قواعد قرار دهیم،شکل نامأنوس«ایمنیشناسی» ظاهر می‏شد که هم خواندنش سخت است و هم‏ دندانه‏های بسیار آن کلمه را زشت کرده است.اما فرض کنید که«ایران شناسی»که مانند همان کلمهء پیشین است به صورت متصل«ایرانشناسی»نوشته‏ شده است.شاید این نشانگر نوعی دوگانگی باشد،اما درست آن است که اگر رسم الخط،خواندن را دشوار کند و یا اگر تعداد زیادی دندانه مانند کلمهء «زیست شناسی»پشت سر هم در کلمه‏ای مکتوب‏ بیاید،باید آن را جدا بنویسیم.احتمال دارد که بر اساس این اصل تغییراتی در برخی کلمات جلدهای‏ اخیر نسبت به گذشته بدهیم.تمایل کنونی در میان‏ کتابخوان‏ها و کتاب‏نویسها این است که بیشتر اجزای‏ کلمات مرکب یا ترکیبی را تا آنجا که آن کلمه را از حالت‏ اصلی نیندازد،جدا ولی نزدیک به هم بنویسند؛زیرا این مسأله با تکنولوژی جدید هم هماهنگی دارد.یعنی‏ تکنولوژی جدید هم اکنون به این مسأله بی‏توجه نیست.ماشینهای حروفچینی معروف به«لاینوترون» که حالا کمتر از آن بهره گرفته می‏شود دیگر به هیچ‏ وجه ساخته نمی‏شود و بیشتر کارهای حروفچینی با دستگاههای چاپگر الکترونیکی و لیزری انجام‏ می‏گیرد.در این چاپگرها برای آنکه برنامه ریزی‏ نرم‏افزارها آسانتر صورت گیرد بهتر است کلمات جدا از هم نوشته شوند.به هر حال رسم الخط کنونی‏ فرهنگنامه بر اساس همان کتابچهء«راهنمای نویسنده و ویراستار»آقای جهانشاهی است،اما همراه با نوآوریها و تجدید نظرهایی در رسم الخط کتب درسی.شاید بد نباشد که دربارهء علامت جمع(ها)نیز توضیحی دهم.

در همان نشریهء«نامهء فرهنگستان علوم»نمونه‏های‏ بسیاری دیدم که برخی جاها«ها»جدا از کلمهء پیشین‏ و برخی جاها متصل نوشته شده بود.یکی از دلایلی که‏ بر این نشریه تأکید می‏کنم آن است که خوانندگانتان را متوجه قضیهء آشفتگی فراوان حتی در نشریهء رسمی‏ فرهنگستان کشور نمایم.ما،در فرهنگنامه‏ بخاطر آنکه«ها»از خود استقلالی ندارد آن را متصل‏ می‏نویسیم مگر آنکه حرف قبل از آن غیر قابل اتصال‏ باشد(مانند:ر،ز،د،و...)

کیهان فرهنگی:در واقع روش شما بر اساس آسان خواندن کلمات است؛هر چند برای کلمات ترکیبی استثنا قایلید. به دیگر سخن،باید گفت که شما هم‏ مانند دیگران به دلیل نبودن روشی‏ علمی در نگارش واژه‏ها به همان روش‏ سلیقه‏ای ادامه می‏دهید.

گرگین:نمی‏توان آن را تنها سلیقه نامید،اما در هر حال همین معنی را می‏شود از آن برگرفت.البته در این‏ سلیقه که در واقع سلیقهء وزارت آموزش و پرورش است، نوعی یکدستی را رعایت می‏کنیم.از سوی دیگر، چیزی را که شما سلیقه می‏گویید تنها در جدا و پیوسته نویسی برخی کلمات می‏بینید،نه در آنجا که به‏ هر حال قاعده‏ای دستوری دارند(مانند جدا نوشتن‏ «می»مضارع،یا«به»حرف اضافه و...).با در نظر گرفتن دستور زبان فارسی و قواعدی که در فرهنگنامهء آقای مصاحب برای رسم الخط،نوشته شده(جز بخشهایی که برخی در زمینهء سر هم نوشتن از آن‏ ایرادهایی می‏گیرند)در بقیه موارد از قاعده‏ای علمی‏ که در زبان فارسی باید رعایت گردد پیروی می‏شود.

کیهان فرهنگی:ویژگی ویرایش‏ فرهنگنامه در چیست و ویرایش‏ فرهنگنامه‏ای چه تفاوتهایی با ویرایش‏ متون دیگر دارد.چه مشکلاتی در این‏ زمینه دارید؟

گرگین:ویرایش فرهنگنامه از نوع ویرایش تألیفات‏ است،نه ترجمه.یعنی به خلاف متون ترجمه شده که‏ ویراستار مسؤول صحت و سقم مطالب اصلی نیست‏ مگر آنکه متوجه شود در آن متن غلطی فاحش وجود دارد که البته در این هنگام آن را بی‏تغییر نقل می‏کند و در پانوشت نکتهء صحیح را توضیح می‏دهد؛در ویرایش‏ متون تألیفی ویراستار مسؤول صحت ساختار،شیوهء استنتاج و سیاق کلام است؛البته بدون آنکه در محتوای استنتاج مؤلف دست ببرد.ویراستار فرهنگنامه‏ افزون بر آنچه اشاره شد،وظیفهء دیگری نیز دارد او باید بدون آنکه در تفهیم موضوع اصلی خللی پیدا شود، مطلب را کوتاه و خلاصه و موجز کند.متأسفانه ما نویسندگان عادت داریم قلمفرسایی کنیم و مطالب را بسیار مفصل و پر حاشیه و همراه با مواردی که به اصل‏ مقاله پیوندی ندارد بنویسیم و از موضوع مدخلی که بر مقاله باید حاکم باشد خارج می‏شویم.برخی استدلال‏ می‏کنند که این کار ایرادی ندارد و خواننده متوجه‏ مطلب بیشتری خواهد شد یا آنکه اگر این مطلب را هم‏ بداند بهتر است.بی‏آنکه توجه کنند این مطلب‏ در مقالهء فرهنگنامه یا در هر مقاله‏ای که دقیق و علمی است نادرست خواهد بود.

البته عکس این نمونه هم گاهی پیش می‏آید،یعنی‏ نویسندهء مقاله از مطالبی که به روشن شدن موضوع‏ کمک می‏کند به طور کامل سخن نمی‏گوید و این‏ مطالب روشن کننده در مقاله‏ای که مربوط به آن‏ مدخل است بسیار کم به چشم می‏آید.وظیفهء بسیار دشوار ویراستاران این فرهنگنامه یافتن حدی معقول‏ است میان اینکه تا کجا موضوعی باید برای خوانندهء نوجوان فرهنگنامه بسط داده شود و در کجا باید آن‏ را کامل دانست و به پایان رساند.گاهی در این زمینه‏ها میان ویراستاران فرهنگنامه اختلاف سلیقه پیش‏ می‏آید.یعنی یکی معتقد است که بیان مفصل مطلب‏ خوب است و دیگری می‏گوید:باید کوتاه باشد.خوب‏ است اینجا به مسأله‏ای که در همین زمینه برای‏ نویسندگان و ویراستاران دانشنامه‏ای پیش آمده بود، اشاره کنم.میان نویسندگان مدخلهای علمی و ویراستاران آن دانشنامه جدلی در گرفته بود، ویراستاران دوست داشتند که مطالب موجز و در کلیات‏ باشد و نویسندگان دانشمند می‏خواستند وارد جزئیات‏ شوند و به تفصیل مقالهء آن مدخل را بنویسند.در این‏ زمینه یکی از ویراستاران به طنز گفته بود:«من دوست‏ دارم دربارهء جراحی مغز مطالبی بخوانم،ولی حاضر نیستم مغزم را برای جراحی زیر دست کسی بگذارم که‏ با خواندن مقالهء«جراحی مغز»دانشنامه کارآمد شده‏است»!

یکی از گرفتاریهای ویراستاران فرهنگنامه نیز همین‏ است و من گمان می‏کنم که جای این تفصیلات و مطالب در بردارندهء جزئیات در کتب درسی است. افزون بر اینها روش دیگری در کار ویراستاران‏ فرهنگنامهء کودکان و نوجوانان وجود دارد:ما به عمد واژگان مقالات را محدود می‏کنیم.یعنی باز بودن‏ دست را که فرض بفرمایید برای نویسندگان فرهنگنامهء بزرگسال وجود دارد به کار نمی‏بریم،بلکه آن را ساده‏ می‏کنیم.محدود کردن عمدی واژگان مقالات،برای‏ نوجوانان مشکلاتی نیز پدید می‏آورد ولی کاری شایسته‏ است،زیرا می‏خواهیم نوجوانان و به ویژه کودکان،خود متوجه مطلب شوند نه آنکه مجبور شوند از بزرگان‏ دربارهء آن کلمه و واژه سؤالاتی کنند.

ویژگی دیگر ویرایش فرهنگنامه‏ها با ویرایش کتب، مقالات و حتی نوشته‏های پژوهشی در آن است که در فرهنگنامه بیان دیدگاه و جهان بینی نویسنده-که به‏ طور معمول در کتب دیگر سبب جذابیت و اهمیت‏ است-نادرست انگاشته می‏شود.در فرهنگنامه تا آنجا که ممکن است مسایل همان گونه که رخ داده یا هست‏ باید بیان شوند.درون و دخیل کردن جهان بینی یا بزرگ و کوچک نمودن رخداد،از اعتبار فرهنگنامه-که‏ کتابی مرجع برای دستیابی به آگاهیهای موثق است- می‏کاهد.اگر نویسنده‏ای به این نکات توجه نداشت، ویراستار فرهنگنامه آن را با این دیدگاه ویرایش می‏کند و سامان می‏دهد.

بدین رو،نقش ویراستار در تدوین فرهنگنامه‏ها، بارزتر از متن کتابهای دیگر است و دقت،توجه بسیار و آگاهی فراوان می‏خواهد.در اصطلاح،ویراستار فرهنگنامه،دایه‏ای که فرزندش را بزرگ کند و بپروراند،اما مسؤول خوب و بد وی نباشد،نیست.این‏ مسؤولیت همواره با اوست.به نظر می‏آید که مسؤولیت‏ خوب و بد،درستی و نادرستی،استحکام و سستی‏ مقالات،بیشتر به پای ویراستار نوشته می‏شود،و از همین رو نویسندگان نیز باید تعصبشان را نسبت به‏ مقالات خود کنار بگذارند و بخاطر تغییرات احتمالی‏ که از سوی ویراستار در آن پدید می‏آید،شتابزده داوری‏ نکنند و نگاه عضب آلود به وی نیندازند!چرا که‏ ویراستار خوب به دلیل همان مسؤولیتش در خوبی یا بدی شیوهء نگارش و استحکام و سستی مقاله گاهی‏ ناچار به تغییر و تصحیح و حتی حذف پاره‏ای بخشهای‏ مقالات می‏شود.رفتار بد با ویراستار او را از عمل به این‏ وظایف باز می‏دارد و وی را نسبت به ویراستاری شایسته‏ و نگریستن به استحکام و سستی مطالب بی‏اعتنا می‏کند.البته او باید به فن و دانش ویراستاری و رموز و ریزه‏کاریهای نویسندگان آگاه باشد تا بتواند وظیفهء خود را به خوبی انجام دهد.هر چند اینجا برخی از مقالات به‏ دلیل آنکه بارها نوشته،اصلاح،بازنویسی،ویرایش و باز ویرایش شده‏اند،دیگر دارای پرونده‏اند.اکنون‏ ویراستاران فرهنگنامه،کمتر در این زمینه با نویسندگان یا بالعکس مشکلی دارند.نویسندگان‏ فرهنگنامه باید قواعد ما را رعایت کنند و اگر از آن‏ پیروی نکردند،ویراستار حق تصرف ویرایشی در آن‏ دارد.

کیهان فرهنگی:از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید،سپاسگزاریم.